دردسرهای عظیم تک‌فرزندها

فرزند امروز، تنهاست. این را نه آمار که نگاهی ساده به خانواده‌های ایرانی نشان می‌دهد. هرچند شاید بتوان این تنهایی را از کنار خانواده ایرانی برداشت و به کل خانواده‌ها نسبت داد. اگر بپذیریم که براساس گفته لوئیس مورگان «حرکت خانواده در طول تاریخ به سمت تعالی بوده و گریزی از آن نیست» در این صورت باید شکل امروزی خانواده را یک خانواده تکامل یافته ببینیم. اما آیا خانواده امروز با تنها یک فرزند که حالا همه‌گیر شده، تکامل یافته است؟ خانواده امروز به سمت تکامل می‌رود یا تیشه به ریشه روابط خویشاوندی نسل آینده زده است؟ آن‌طور که بسیاری از جامعه‌شناسان برجسته هم تأکید کرده‌اند، خانواده بیشتر از یک پدیده زیستی، نهادی اجتماعی است. برهمین اساس هم باید پذیرفت که هریک قدمی که خانواده به سمت کمال برمی‌دارد، کل جامعه را به این سمت سوق می‌دهد. آن‌طور که آمار نشان می‌دهد، خانواده ایرانی که حالا باید در مسیر کمال باشد، باسرعت هرچه تمام تر به سمت تک‌فرزندی حرکت کرده است.

حسین مروتی، پژوهشگر حوزه جمعیت بر این باور است که خانواده کم جمعیت اقتدار و چابکی لازم را ندارد اما اگر کمی عمیق‌تر به این مسئله نگاه کنیم، تک‌فرزندی تنها مسئله‌ای نیست که به یک خانواده مربوط باشد که حالا بخواهیم به اقتدار آن نظر کنیم. تک‌فرزندی اگر به شکل فعلی آن ادامه پیدا کند، در آینده می‌تواند روابط خویشاوندی را به کلی دگرگون کند. خانواده‌ای که تنها یک فرزند برای نسل بعد پرورش می‌دهد، در سنین بزرگسالی به‌غیراز والدین خود، دیگرکسی را برای استحکام روابط خویشاوندی، درکنار خود نمی‌یابد. بااین حال، با توجه به تغییر در سیاست‌های جمعیتی ایران طی سال‌های گذشته، این مسئله ابعاد گسترده‌تری را در پی دارد. یعنی حالا دیگر بحث تنها بر سر این نیست که تک‌فرزندی موافق سیاست‌های جمعیتی ایران است یا خیر. نسل بعد نسلی تنها و با روابط سست‌تری خواهد بود که بسیاری، نسبت به آن هشدار می‌دهند. درحقیقت پدیده تک‌فرزندی، قطعا تأثیرات خود را در نسل‌های بعد هم به جا می‌گذارد.

نباید فراموش کرد که روند فعلی حرکت خانواده به سمت تک‌فرزندی، علامتی است که بارها جمعیت‌شناسان نسبت به آن هشدار داده‌اند. مسائلی از قبیل افزایش سطح انتظارات والدین و فرزندسالاری از حداقل تبعات داشتن یک فرزند برای خانواده‌های ایرانی است که می‌تواند در نسل بعد، شدت بیشتری هم به خود بگیرد.

زمینه‌های رشد فرزند در خانواده از راه‌هم‌زیستی باهم‌سن‌وسال‌های خود مهیا می‌شود

مروتی تأکید می‌کند: «جامعه ما ساختار اجتماعی فرهنگی خاصی دارد؛ یعنی برادر و خواهر از هم جدا نیستند. خویشان و اقوام، جزئی از ساختارهای خانوادگی و اجتماعی ایرانیان هستند. بنابراین این مسئله، یک خطر اجتماعی فرهنگی است. دوم این‌که زمینه‌های رشد فرزند در خانواده از راه تعامل و هم‌زیستی با هم‌سن‌وسال‌های خود به‌عنوان برادر یا خواهر مهیا می‌شود که یکی از عوامل مهم تربیتی است؛ درحالی‌که این عامل از خانواده تک‌فرزند گرفته می‌شود. همکاری و رقابت فرزندان در خانواده‌ها یکی از زمینه‌های رشد آن‌هاست. به همین خاطر هست که می‌بینیم پدر و مادرها، تصمیم‌گیری در خصوص بسیاری از مسائل را برعهده فرزندانشان می‌گذارند و از آن‌ها دعوت به همکاری می‌کنند؛ همکاری‌ای که هم درصحنه خانواده و هم جامعه، نتایج مثبت زیادی دارد، بنابراین این خطرات وجود دارد.»

سعید معدنی، جمعیت‌شناس نیز در تشریح پیامدهای تک‌فرزندی، به نکاتی اشاره کرده و می‌گوید: والدین این‌گونه خانواده‌ها، غالبا بیش از حد به فرزند خود توجه عاطفی کرده و کودک در مقابل این همه محبت، سهیم و رقیب همراهی نمی‌بیند. اینگونه فرزندان ممکن است دچار اختلالات شخصیتی و رفتاری شوند و در بزرگسالی هم انتظارات زیادی از جامعه داشته باشند و در صورت عدم دریافت پاسخ مثبت، سرخورده شوند. ولی در خانواده‌هایی که دو یا چند فرزند دارند، توجه و عاطفه والدین میان دو یا چند نفر تقسیم می‌شود. در ادامه مبحث فوق، خطر بروز فرزندسالاری نیز در این میان وجود دارد و ممکن است فرزندان اراده خود را به خانواده تحمیل کنند یا حتی باعث بروز پدیده باج‌خواهی از والدین شوند. شاید اگر تعداد فرزندان زیاد باشد، از میزان فرزندسالاری کاسته شود و کودک انتظارات متعادل‌تری از والدین داشته باشد. از آنجا که تمامی توجه و حاصل زحمات والدین، معطوف یک فرزند می‌شود، گاهی سطح انتظارات از فرزند بالا رفته و تمام امید و آرزوی والدین در همین یک فرزند خلاصه می‌شود. از این رو فرزند در معرض هجوم خواسته‌های متفاوت والدین قرار می‌گیرد و ممکن است مشکلاتی برایش پیش بیاید. از طرفی در صورت فوت والدین کودک به‌شدت احساس تنهایی می‌کند. ممکن است کسانی از اقوام یا دوستانی باشند که با او همدردی کنند، اما بی‌شک هیچ کس نمی‌تواند جای برادر یا خواهر را بگیرد. یعنی کسی که هم خون بوده و درد مشترک داشته و در برنامه ریزی‌های آینده همراه او باشد، دیده نمی‌شود و احساس تنهایی در این فرد به مراتب بیشتر می‌شود.»

این جمعیت‌شناس در ادامه عنوان می‌کند: «بی‌شک یکی از دردناک‌ترین اتفاق‌ها در این نوع خانواده‌ها، مرگ فرزند است که می‌تواند ضربه جبران‌ناپذیری به خانواده وارد کند. پدیده‌ای که حتی یادآوری آن موجب نگرانی و افسردگی می‌شود. اما بی‌شک نمی‌توان اتفاقات را پیش‌بینی یا پیشگیری کرد. بعضا در میان خانواده‌های غربی می‌بینیم که با فاجعه فوت فرزند، همه آرزوها و امیدهای یک خانواده به طور کلی به فنا می‌رود و فقدان فرزند، خلأ عجیبی در زندگی به وجود می‌آورد. این پدیده در شرق و به‌ویژه جامعه ما، که پر از عاطفه و مهربانی است، به‌مراتب دردناک‌تر و پذیرش آن برای خانواده‌های ایرانی بسی سخت‌تر خواهد بود. اگرچه تنهایی برای یک کودک هم خوب است و هم بد. خوب از این جهت که والدین مجبور نیستند محبت و توجه خود را میان فرزندانشان تقسیم کنند و بد به این دلیل که کودک در برقراری ارتباط با دیگران دچار مشکل می‌شود و ممکن است حسود شود اما برخی دیگر از این کودکان از آنجایی که کسی را ندارند تا با او رقابت یا بازی و دعوا کنند و یا دوست و همدمی در منزل ندارند بنابراین برخی از احساسات را تجربه نمی‌کنند و فرصتی برای کنترل و مدیریت احساساتشان نخواهند داشت.»

مراقبت‌های افراطی والدین از تک‌فرزندان، آن‌ها را آسیب‌پذیر و شکننده می‌کند

در همین حال نسرین صفری، مشاور خانواده با اشاره به این‌که تک‌فرزند بودن، تأثیری بس فراوان بر مراحل رشد کودک دارد، می‌گوید: «برخی از کودکان تک‌فرزند، به‌دلیل زندگی در یک محیط بزرگسال از لحاظ روحی و روانی بسیار سریع‌تر رشد می‌کنند و دنیا را از دید بزرگسالان می‌بینند. علت تک‌فرزندی بسیاری از خانواده‌ها تجمیع تمام امکانات رفاهی برای تنها فرزند خانواده است. با وجود این که تجمیع امکانات برای یک بچه احتمال موفقیت وی را بسیار بالا می‌برد اما به موازات آن ممکن است توقعات والدین از فرزند خود را نیز افزایش بدهد و همین موضوع باعث خواهد شد تا فرزند برای موفق شدن و انجام کارهای بزرگ زیر فشارهای روحی و روانی له شود. با توجه به این‌که تک‌فرزند، کانون تمام توجهات و محبت‌های والدین در طول زندگی است به همین دلیل تا زمان ورود به دنیای خارج از خانه همه چیز را بروفق مراد می‌بیند. اما به محض ورود به این دنیای جدید دچار سرخوردگی می‌شود چون همه چیز دیگر بروفق مراد او نخواهد بود.»

این مشاور عنوان می‌کند: «تک‌فرزندان، چشم و چراغ خانه و تنها امید والدینشان هستند. معمولا همه چیز را اختیار داشته‌اند و فکری همیشه نگران احوالشان بوده است که مبادا رنجشی خاطرشان را بیازارد! این در حالی است که مراقبت‌های افراطی والدین از تک‌فرزندان، آن‌ها را به فردی وابسته، آسیب‌پذیر، ضعیف و شکننده تبدیل می‌کند که قدرت و تحملشان در رویارویی با مشکلات نیز، بسیار حداقلی است. معمولا تمایل والدین به حمایت و پشتیبانی از تنها فرزندشان مانع از آن می‌شود که فرزند عواقب اشتباهاتش را بیازماید و مسئولیت عمل خویش را بپذیرد، آن‌ها نه‌تنها در مقام انتقاد از فرزندشان برنمی‌آیند، بلکه هیچ‌گاه با او مخالفتی نمی‌کنند و همواره تسلیم خواسته‌هایش می‌شوند تا از این طریق مانع دلخوری و ناراحتی او شوند.»

صفری بیان می‌کند: «تک‌فرزندان معمولا متوقع‌اند و انتظار دارند دیگران هم مانند والدینشان با آن‌ها رفتار کنند که این موضوع ناتوانی‌شان را شدت می‌بخشد. روبه‌رو نشدن با حساسات سخت و ناراحت‌کننده یا ابراز نکردن این نوع احساسات، باعث می‌شود تحمل کودک در برابر ناملایمات ضعیف شود و شاید به همین دلیل است که آن‌ها هرگز نمی‌توانند ناامیدی و فشار روحی را تحمل کنند. چنانچه توهینی به آن‌ها شود اگرچه قصد و غرضی در کار نباشد، اما این توهین را رفتاری عمدی و به پشتوانه نیتی خاص تفسیر می‌کنند یا اگر از مسئله‌ای رنجیده خاطر شوند، این وضعیت را تا مدت‌های مدید درون خود زنده نگاه می‌دارند و بابت آن، احساس نگرانی و ناراحتی می‌کنند، چراکه تا زمان ورود به اجتماع و رویارویی با واقعیت‌های تلخ و شیرین، اما اجتناب‌پذیر زندگی، همه چیز را بروفق مراد خود می‌دیدند، اما به‌محض ورود به دنیای جدید و مشاهده حقایق، همه چیز را برباد رفته می‌پندارند، چون دیگران مثل پدر و مادر حاضر نیستند گوش به زنگ خواهش‌های آن‌ها باشند. از سوی دیگر، تک‌فرزندان معمولا به برقراری روابطی علاقه‌مندند که احساساتشان کمتر جریحه‌دار شود و دربرگیرنده منافعی نیز برای آنان باشد. اگرچه کودکان تک‌فرزند، اجتماعی‌تر از دیگر کودکان به نظر می‌رسند و اعتماد به نفس بیشتری در برقراری ارتباط با بزرگسالان دارند، اما به خاطر احساسات ناپخته‌شان ممکن است از همبازی‌های خود خجالت بکشند یا برای اجتناب از مواجهه با مشکلات ترجیح دهند با کودکان بزرگ‌تر از خود دوست شوند، اگرچه ارتباط با آنان نیز، تهی از مشکلات نیست چه بسا ممکن است دلخوری‌های خود را برای آنان ابراز نکنند یا تبحر کافی در مدیریت دعواهای خود با دیگران نداشته باشند.»

این مشاور خانواده خاطرنشان می‌کند: «برخی از بررسی‌ها نشان داده است که تک‌فرزندی بر سلامت روانی کودک در بزرگسالی تأثیری منفی دارد و حتی مشکلات رفتاری و شخصیتی در میان کودکان تک‌فرزند بیشتر است. برخی از محققان می‌گویند احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و ارتکاب جرم در تک‌فرزندها بیشتر است یا بی‌همبازی و بی‌هم‌صحبت بودن تک‌فرزندان، باعث می‌شود آن‌ها برای جبران خلأ عاطفی به دنیای خیالی پناه ببرند و بیش از پیش گوشه‌گیر و منزوی شوند یا تک‌فرزندان از آنجاکه خواهر یا برادری ندارند، در صورت فوت والدینشان به شدت احساس تنهایی می‌کنند و به احتمال زیاد فسرده می‌شوند. بی‌دایی و خاله و عمو و عمه شدن از دیگر مصائب برآمده از تک‌فرزندی است. تا نیم قرن دیگر، با رواج تک‌فرزندی، نه‌تنها تعداد عمه، خاله، عمو و دایی کمتر شده و بافت خانوادگی و فامیلی دچار خدشه می‌شود بلکه دیگر این واژه‌ها، برای نسل‌های جدید، تاریخی و غریب نیز می‌شوند. تک‌فرزندی، حقیقتی تلخ، اما عیان در جامعه امروز ماست که اگر همه زوج‌های جوان بخواهند تسلیم باور تک‌فرزندی شوند، بی‌شک در چند سال آینده، فرصت ارتباطات اجتماعی و رفت‌وآمدهای خانوادگی کمتر شده و در نهایت نیز، وابستگی به شبکه‌های خانوادگی کمرنگ و حتی بی‌معنا قلمداد خواهد شد.»

تعداد زیاد فرزندان، خانواده را تبدیل به مدرسه‌ای از آگاهی و تجربه می‌کند

این مشاور خانواده اظهار می‌کند: «تحقیقات اخیر نشان داده است که کودکان در خانواده‌های پرجمعیت، نسبت به تک‌فرزندان، هوش هیجانی بیشتری را از خودنشان می‌دهند و خیلی زودتر نیز حرف زدن و راه رفتن را یاد می‌گیرند، چون آن‌ها توسط خواهر و برادرشان تشویق می‌شوند یا از آن‌ها تقلید می‌کنند. کودکان خانواده‌های پرجمعیت، احساس همدلی و امید به زندگی بیشتری دارند. آن‌ها به طور چشمگیری فعال و پویا بوده و در حل مسائل و روبه‌رو شدن با مشکلات بسیار تواناتر هستند. از سوی دیگر، برخورد و تنش بین والدین و تک‌فرزندان رواج بیشتری دارد و معمولا رابطه‌ها به سمت استبداد از سوی یکی از والدین یا فرزندان کشیده می‌شود، معمولا فرزندان در خانواده کم جمعیت، نه‌تنها همه امکانات را متعلق به خود می‌دانند و رفتاری حاکمانه و یک‌طرفه دارند، بلکه والدینشان را نیز مجبور به تبعیت می‌کنند که این موجب پرورش و تقویت خشونت‌های مختلف خانگی می‌شود، این در حالی است که احتمال بروز استبداد خانگی در خانواده‌های پرجمعیت کمتر است و فرزندان به طور آشکارا درک می‌کنند که چقدر برای والدینشان اهمیت دارند و به همین دلیل نیز، تمایل بیشتری به رفتار مهربانانه، محترمانه و یاری‌گرانه دارند و درصورت لزوم نیز، در انجام مسئولیت‌های خانوادگی مشارکت می‌کنند.

تعداد زیاد بچه‌ها، احساس نشاط و شادمانی بیشتری به خانه می‌آورد که این خود، باعث افزایش خلاقیت در رفتار، احساسات و قدرت تجزیه و تحلیل اعضای خانواده در درون و بیرون از خانه می‌شود. گرچه امکانات کودک در خانواده تک‌فرزندی بیشتر است، اما بچه‌های خانواده پرجمعیت هم می‌توانند بسیاری از فعالیت‌هایی که دوست دارند را انجام دهند، مثلا به سینما، کلاس ورزش و موسیقی بروند یا لباس‌ها و کفش‌های زیبا و انواع بازی‌های رایانه‌ای را خریداری کنند، اما در عین حال نیز می‌آموزند چگونه برای انجام برخی از این فعالیت‌ها باید پس‌انداز کنند و در نتیجه قدر آن‌ها را بیشتر بدانند. درواقع تعداد زیاد فرزندان، خانواده را تبدیل به مدرسه‌ای از آگاهی و تجربه می‌کند که به‌ندرت بازندگی موفقیت‌آمیز مواجه می‌شوند.»

منتقل و بازسازی می‌شود.»

دکتر بدرالسادات بهرامی روانشناس «مسئله تک‌فرزندی را معضلی تربیتی می‌خواند که یک خانواده را دنبال می‌کند.» این روانشناس اعتقاد دارد مشکلات عدیده این سبک زندگی همه خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

وی با تکیه بر پژوهش‌ها و تحقیقات بسیاری که در این زمینه صورت گرفته است، می‌گوید: «این کودکان رفتارهایی را باید بیاموزند که از همسالان رقیب خانواده یعنی خواهر و برادر آموخته می‌شود. قلمرو، حق تقدم و تأخر، تقسیم وسایل، اسباب بازی‌ها و وظایف و تقسیم و اشتراک محبت و توجه والدین و کنارآمدن با همه این‌ها در صلح و آشتی که مشق اجتماعی شدن است، چیزهایی است که تنها فرزند ما از آن محروم است.» این روانشناس برای چنین کودکانی دورانی از سرخوردگی را پیش‌بینی می‌کند که وقتی با ورود به جامعه آبشار امکانات بی‌دریغ قطع شود در انتظار آن‌ها هست. نتیجه این سرخوردگی توجه‌طلبی مثبت و امتیاز دادن و خرج کردن برای دیگران برای رسیدن به توجه است یا در نقطه مقابل پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی برای گرفتن توجه منفی.

بهرامی ریسک تک‌فرزندی را برای والدین بسیار بزرگ توصیف می‌کند و می‌گوید: «وقتی خانواده تمام سرمایه خود را برای تنها یک فرزند هزینه کرده است و این فرزند چنان که توقع می‌رود بار نمی‌آید، والدین لطمه زیادی می‌خورند و اصولا هزینه عاطفی بیشتر با توقع بیشتر در والدین همراه است که سبب ناکامی می‌شود. تک‌فرزندها کمال‌طلب هستند، زیرا والدین آن‌ها فکر می‌کنند هرچقدر فرزند کمتر باشد همان یک فرزند به کمال نزدیک‌تر است، اما بهترین گزینه برای تربیت این فرزندان آوردن یک خواهر یا برادر است و حتی فرزند خوانده نیز جای آن را نمی‌گیرد زیرا والدین رفتار یکسانی با این دو نخواهند داشت. این کودکان برای جلب حمایت خواهر و برادر خود ساخته به کودکان باج می‌دهند و سعی می‌کنند محبت آن‌ها را بخرند، اما در نهایت این کودکان خواهر و برادر خود را ترجیح می‌دهند. اتفاقی که بین خواهر و برادر می‌افتد مثل حمایت‌ها و توجهات همخونی غیر از والدین تجربیات منحصربه‌فردی است که بعد از بزرگ‌شدن فرزندان و تبدیل این کودکان به عمو و خاله و دایی و عمه و ایجاد شبکه فامیلی مفهوم گسترده‌تری می‌یابد.

بهرامی اعتقاد دارد والدین تک‌فرزند بیش از دیگر والدین نگرانی را تجربه می‌کنند. زیرا فرزند دیگری نیست که توجه و مراقبت را با او تقسیم کنند. وی می‌افزاید: فرزندسالاری در این خانواده‌ها بیشتر است و یکی از والدین وقتی فرزند را برای تحصیل راهی شهر یا دیاری غریب می‌کنند اغلب با او می‌روند و خانواده دچار گسستگی می‌شود. بچه در این خانواده‌ها بیش از دیگران در اولویت قرار دارد و والدین و روابطشان در مرحله بعدی قرار می‌گیرد که اغلب به روابط زناشویی لطمه می‌زند. این والدین حتی نگران تنها ماندن بعد از رفتن فرزند خود هستند که گاه از این نظر او را می‌آزارند و به او احساس گناه می‌دهند. تمام این موارد بخشی از مشکلات فراوانی است که تک‌فرزندی می‌تواند برای فرد، جامعه و خانواده به همراه بیاورد و به نظر می‌رسد اگر مشکلات اقتصادی رفع شود، والدین راضی نشوند با این همه مشکل، فرزندانی تربیت کنند که به‌ندرت بازندگی موفقیت‌آمیز مواجه می‌شوند.

میزخبر

مراقب سلامت روان کودکان و نوجوانان در بازار داغ شایعات باشیم

مدیرکل دفتر خدمات مشاوره و امور روانشناختی سازمان بهزیستی کشور به مسئله سلامت روان کودکان و نوجوانان اشاره کرد و آن را یکی از اولویت‌های مهم این روزها دانست و گفت: همان طور که بزرگسالان در معرض اضطراب ناشی از اخبار و شایعات قرار دارند، کودکان و نوجوانان نیز از این فضا آسیب می‌بینند؛ با این تفاوت که آن‌ها ظرفیت شناختی و هیجانی محدودتری دارند و در بسیاری از مواقع، توان درک کامل و منطقی از آنچه در پیرامون‌شان می‌گذرد، ندارند.

ابراهیم غفاری در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به تدوین پروتکل سلامت روان در سازمان بهزیستی کشور افزود: توصیه ما به خانواده‌ها این است که در وهله اول، محیطی امن و حمایتگر برای فرزندانشان فراهم کنند. محیطی که در آن، کودک احساس امنیت عاطفی و روانی داشته باشد و بتواند بدون واهمه و نگرانی، حرف بزند و احساساتش را بیان کند.

غفاری ادامه داد: اطلاعات مربوط به شرایط بحرانی باید به زبان ساده، قابل فهم و متناسب با سن و درک کودک به او منتقل شود. لازم نیست همه جزئیات را بگوییم. پررنگ کردن نگرانی‌ها در ذهن کودکان، فقط آن‌ها را بیشتر درگیر اضطراب می‌کند. وی تأکید کرد: خانواده‌ها نباید اجازه دهند نظم روزمره کودکان به هم بخورد. بازی کردن، دیدن دوستان و پیگیری فعالیت‌های عادی روزانه، برای کودکان مهم است. این روال روزمره، لنگر روانی آن‌ها را حفظ می‌کند و مانع از آشفتگی ذهنیشان می‌شود. مدیرکل دفتر خدمات مشاوره و امور روانشناختی سازمان بهزیستی کشور در ادامه به نقش فعالیت‌های آرامش‌بخش و بازی‌های روان‌درمانی اشاره کرد و افزود: در راهنمای سلامت روانی که تدوین شده است، توصیه‌های متعددی برای این موضوع در نظر گرفته‌ایم. بازی‌های خلاقانه، داستان‌سرایی، نقاشی و فعالیت‌های هنری از جمله شیوه‌هایی هستند که می‌توانند به تخلیه هیجانی کودک کمک کنند. این کارها باعث می‌شوند کودک احساسات خود را در فضایی بی‌خطر و قابل مدیریت، ابراز کند. غفاری تأکید کرد: در این راهنما، آموزش مهارت‌های ابراز احساسات را هم در قالب بازی و گفت‌وگوهای آزاد خانوادگی بدون قضاوت گنجانده‌ایم. این بسیار مهم است که کودک بتواند درباره ترس‌ها، نگرانی‌ها و احساساتش حرف بزند؛ بدون آنکه سرزنش یا نادیده گرفته شود.

وی با بیان این که ترس و نگرانی در کودکان در شرایط بحرانی امری طبیعی است، گفت: این که کودکان در چنین روزهایی سؤال‌هایی درباره آینده داشته باشند، کاملا طبیعی است. مهم این است که والدین به صحبت‌هایشان گوش دهند و فضای گفت‌وگو را باز بگذارند. همچنین خانواده‌ها می‌توانند کودکان را به فعالیت‌های گروهی، بازی‌های دسته‌جمعی و تعاملات مثبت تشویق کنند؛ چراکه این فعالیت‌ها سهم مؤثری در افزایش حس امنیت کودکان دارد. مدیرکل دفتر خدمات مشاوره و امور روانشناختی سازمان بهزیستی کشور در پایان یادآور شد: وظیفه ماست که از سلامت روان نسل آینده محافظت کنیم؛ نه‌فقط با دور نگه داشتن آن‌ها از اخبار تلخ، بلکه با آموزش مهارت‌های مقابله، ابراز احساسات و تاب‌آوری. امیدواریم با همراهی خانواده‌ها و به‌کارگیری راهنماهای کاربردی، در این مسیر قدم‌های مؤثری برداریم.

وطن تنها یک جغرافیا نیست؛ یک پیوند اجتماعی است

یک جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی با اشاره به تجاوزات رژیم صهیونیستی، بر نقش انسجام اجتماعی در تاب‌آوری ملی تأکید کرد و گفت: آنچه ملت‌ها را از دل بحران‌ها عبور می‌دهد، صرفا توان نظامی نیست؛ بلکه سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و مشارکت فعال مردم است که بنیان‌های استواری برای مقاومت می‌سازد.

طاهره رستمی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: وطن صرفا به مرزهای فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه یک پیوند زنده و پویاست که بر پایه اعتماد، مسئولیت‌پذیری و گفت‌وگو شکل می‌گیرد. تقویت این پیوند در بزنگاه‌های بحرانی، جامعه را از درون مقاوم‌تر از هر تهدید بیرونی می‌سازد. وی با اشاره به اهمیت اعتماد عمومی به‌عنوان ستون فقرات انسجام اجتماعی، یکی از راهبردهای مهم در مواجهه با تهدیدات را هوشیاری رسانه‌ای دانست و افزود: یکی از تاکتیک‌های دشمن در جنگ‌های ترکیبی، ایجاد التهاب روانی از طریق شایعات، تحریف‌ها و بزرگ‌نمایی تهدیدهاست. در چنین شرایطی، رجوع به منابع رسمی و پرهیز از دامن زدن به شایعات، نه‌تنها آرامش روانی جامعه را حفظ می‌کند، بلکه نشانه‌ای از بلوغ رسانه‌ای و اجتماعی مردم است.

این جامعه‌شناس با تأکید بر جایگاه مهم نهادهای اجتماعی از جمله خانواده، مدرسه و مسجد در آرام‌سازی فضای جامعه، تصریح کرد: خانواده نخستین سنگر آرامش روانی جامعه است. آرامش والدین، گفت‌وگوهای همدلانه و تقویت حس تعلق به ارزش‌های مشترک، می‌تواند نسل نوجوان را از اضطراب دور نگه دارد. همچنین فعالیت گروه‌های داوطلب، نهادهای محلی و فضاهای همدلانه نقش مؤثری در ترمیم و تقویت پیوندهای اجتماعی ایفا می‌کنند. رستمی در ادامه پنج راهکار عملی برای عبور مؤثر از شرایط فعلی مطرح کرد که عبارتند از: پرهیز از بازنشر شایعات، گفت‌وگوی آرام خانوادگی برای کاهش اضطراب نسل جوان، تقویت مشارکت‌های محلی و فعالیت‌های داوطلبانه در محلات، ترویج روایت‌های امید، فداکاری و همبستگی در رسانه‌ها و فضای مجازی و افزایش حضور نهادهای اجتماعی در کنار مردم. وی در پایان گفت: در برابر تهدیدهای بیرونی آنچه یک ملت را تا نمی‌دارد، پیوندهای درونی آن است. با هم بودن، همدل ماندن و اعتماد به سرمایه اجتماعی‌مان، همان نیرویی است که از هر سپر آهنین نیرومندتر است. در این روزهای سخت، ایران نه‌تنها یک سرزمین، بلکه یک پیمان مشترک است که ما را به هم گره می‌زند.

برای حفظ میهن و هموطنان دست در دست یکدیگر دهیم

رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران با بیان این که هیچ مشکلی در ارائه خدمات درمانی وجود ندارد، گفت: تمام مردم در بحران‌های طبیعی و غیرطبیعی می‌بایست دست به دست هم دهند و یکدیگر را یاری کنند.

دکتر ایرج خسرونیا در گفت‌وگو با ایسنا، با محکوم کردن تهاجم رژیم صهیونیستی به کشور اظهار کرد: بررسی صفحات تاریخ بیانگر این است که رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا به‌عنوان مختلف به کشور تجاوز و حمله کرده‌اند و مردم را تحت فشار قرار داده‌اند.

رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران با بیان این که همراهی و همدلی در تمامی بحران‌ها ضروری است، گفت: تمام مردم در بحران‌های طبیعی و غیرطبیعی می‌بایست دست به دست هم دهند و یکدیگر را یاری کنند. حفظ وطن و هم‌میهنان نکته‌ای مهم و اساسی است و بازهم تأکید می‌کنم باید دست در دست یکدیگر دهیم. وی ادامه داد: جامعه پزشکی در کنار مردم حضور داشته باشد و پذیرای مراجعه کنندگان در هر ساعت از شبانه روز باشد و در حد امکان خدمات را به صورت رایگان در این روزها ارائه دهد. همچنین از سایر هموطنان می‌خواهم که دست یاری و کمک خود را به سوی شهروندان و هموطنانی که به کمک نیاز دارند، دراز کنند تا شرایط بحرانی کنونی را سپری کنیم. خسرونیا با بیان این که هیچ مشکلی در ارائه خدمات درمانی وجود ندارد، توضیح داد: هیچ مشکلی در زمینه دسترسی به پزشکان متخصص در مراکز درمانی وجود ندارد و تمام متخصصان در بیمارستان‌های دولتی و خصوصی برای ارائه خدمات حضور دارند. کادر سلامت با تمام قوا برای ارائه خدمات به مردم در مراکز درمانی حضور دارد.

شهر مهیای زندگی عادی تهرانی‌هاست

رئیس سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران با اشاره به وضعیت رفت‌وروب شهری پایتخت، گفت: تشدید نظافت و رفت‌وروب شهری در پایتخت در دستور کار ما قرار گرفته است تا مردم احساس نکنند شهرها شده است؛ همه پای کار هستند و مشکلی در سطح شهر وجود ندارد.

محسن قضاتلو در گفت‌وگو با ایسنا با تسلیت و تبریک شهدای اخیر حمله رژیم صهیونیستی به خاک کشور، اظهار کرد: رژیم صهیونیستی درنهایت به سزای اعمالش خواهد رسید و ان شاء‌الله خون این شهدا سبب از بین رفتن این رژیم از منطقه و ظهور آقا امام زمان (عج) شود.

وی ادامه داد: در سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران از همان روز ابتدا در ستاد مدیریت بحران مستقر شدیم و موضوعات نظافت و رفت‌وروب را پیگیری کردیم. به همکارانمان در امور مناطق و معاونان خدمات شهری مناطق اعلام کردیم که مسئله نظافت و رفت‌وروب شهر باید بهتر از قبل انجام بگیرد تا مردم احساس نکنند شهرها شده است؛ چراکه ممکن بود به آن‌ها احساس ناامنی دست دهد. رئیس سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران عنوان کرد: ما نگذاشتیم کم‌کاری شود. خدارا شکر این کار را انجام دادیم و هنوز هم این تشدید نظافت و رفت‌وروب شهر در حال انجام و پیگیری است.

وی اضافه کرد: مسئله آوار برداری دیگر وظیفه ما بود که اولین فعالیتمان در قالب کمیته آوار برداری در منطقه یک و در مجتمع مسکونی شهید چمران انجام شد. سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران با توجه به امکاناتی که در حوزه ماشین‌آلات دارد با سایر دستگاه‌های شهرداری تهران همکاری داشت. ما نیز به‌عنوان پشتیبان در کمیته آوار برداری اقدامات لازم را انجام داده‌ایم. قضاتلو با اشاره به وضعیت پیمانکاران سطح شهر گفت: با تک‌تک پیمانکاران تک‌به‌تک صحبت کردیم و کسی اجازه رها کردن کار را نداشت و اگر این اتفاق می‌افتاد جریمه سنگینی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شد. بچه‌های ما پای کار هستند و شاید نقاط ضعف کوچکی هم باشد اما به صورت کلی مشکلی وجود ندارد و کارها با برنامه‌ریزی در حال انجام است و شهر مهیای زندگی عادی مردم است.

آغاز ثبت‌نام دهمی‌ها از اواخر تیرماه

معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش‌وپرورش با بیان این که ثبت‌نام پایه دهمی‌ها بعد از اعلام نتایج و فرآیند هدایت تحصیلی آغاز می‌شود گفت: نرخ گذر از متوسطه اول به دوم ۹۵ درصد است. سید مصطفی آذرکیش در گفت‌وگو با ایسنا، در خصوص ثبت‌نام دانش‌آموزان مقطع متوسطه گفت: ثبت‌نام میان پایه‌های هشتم، نهم، یازدهم و دوازدهم به‌صورت اتومات و سامانه‌ای انجام می‌شود.

وی در خصوص ثبت‌نام هفتمی‌ها و دهمی‌ها افزود: ثبت‌نام هفتم و دهمی‌ها بعد از اعلام نتایج امتحانات که در حال انجام است، صورت می‌گیرد. آذرکیش افزود: ثبت‌نام پایه دهم بعد از فرآیند هدایت تحصیلی که آخر تیرماه است، انجام می‌شود. معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش‌وپرورش در خصوص آمار دانش‌آموزان ورودی به متوسطه دوم اظهار کرد: نرخ گذر از دوره متوسطه اول به متوسطه دوم (نهم به دهم) ۹۵ درصد است.

امدادرسانی ۸۲۰۰ امدادگر به مجروحان و مصدومان حملات رژیم صهیونیستی

رئیس جمعیت هلال احمر گفت: از ابتدای حملات رژیم صهیونیستی، ۸۲۰۰ امدادگر هلال احمر در ۵۰۲ عملیات مشارکت داشته و به مجروحان و مصدومان این حملات امدادرسانی و در عملیات جست‌وجو و آوار برداری مشارکت کردند.

به گزارش ایسنا، کولیوند در این باره بیان کرد: شکایت از رژیم صهیونیستی به دلیل نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه از طریق تعامل با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در حال پیگیری است.

رئیس جمعیت هلال احمر با اشاره خدمات اجتماعی و فرهنگی این نهاد در کنار امدادرسانی به حادثه دیدگان نیز گفت: در این مدت، در بحث تاب‌آوری و مشاوره‌های روانشناسی، سامانه ۴۰۳۰ هلال احمر فعال شد و تا امروز به بالغ بر ۷۲ هزار تماس پاسخ داده و به بیش از ۹ هزار و ۹۰۰ هموطن، خدمات مشاوره تلفنی روانشناسی ارائه کرده است.

کولیوند افزود: شبکه خادم، شامل خدمتگزاران و معتمدان محلی از طریق خانه‌های هلال ایجاد شد که در این شبکه سعی کردیم با استفاده از کانون‌های مختلف دانشجویی، دانش‌آموزی، طلاب و ... در ۸ محور، خدمات تاب‌آوری و آموزشی و حتی اقتصادی و سلامت را با مدیریت معتمدین به صورت محله محور ارائه دهیم و اوقات فراغت دانشجویان، دانش‌آموزان و افرادی که سرشان خلوت بود را با این شبکه خادم به سمت بهینه بردیم. رضایتمندی اجرای این طرح نیز در بین معتمدین و مخاطبان بالا بود.

وی با اشاره به اقدامات بین‌المللی این نهاد در مدت حملات رژیم صهیونیستی هم گفت: شکایت خودمان را به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی به‌دلیل حمله به آمبولانس هلال احمر، شهادت امدادگران داوطلب، غیرنظامیان، کودکان، مراکز درمانی و بهداشتی ... ارائه کرده‌ایم.

کولیوند ادامه داد: هلال احمر در جریان امدادرسانی به آسیب‌دیدگان حملات، ۴ شهید به خاک میهنمان تقدیم کرد که طبق قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه،